



# انترناسیونال

## ۱۱۰

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۲۹ مهر ۱۳۸۴، ۲۱ اکتبر ۲۰۰۵

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

مجموعه ای از اعتراضات کارگری در یک هفته اخیر صفحه ۷	جمهوری اسلامی وانرژی هسته ای مهرداد کوشا _ تهران صفحه ۸	کنفرانس سالانه تشکیلات سوئد حزب صفحه ۸	در سالگرد انقلاب اکتبر سخنرانی عبدال کلپریان در فنلاند صفحه ۸
-----------------------------------------------------------	---------------------------------------------------------------	----------------------------------------------	---------------------------------------------------------------------

## تور جهانی علیه اعدام (قتل عمد دولتی) مصاحبه با مینا احدی

## عدالت، حقیقت یا لشکر کشی سیاسی؟



مینا احدی در حال سخنرانی علیه قتل عمد دولتی  
عکس کبری رحمانپور را به حاضرین نشان میدهد!

انترناسیونال: تور جهانی علیه اعدام  
توسط چه سازمانی برگزار شد و چه  
اهدافی داشت؟

مینا احدی: این تور از طرف سازمان  
عفو بین الملل و دو سازمان مدافع  
حقوق انسانی دیگر به نامهای  
آکات و "لایفس پارک" برگزار  
شد. این برنامه به مناسبت سومین  
سال به رسمیت شناخته شدن روز  
جهانی علیه اعدام در دنیا بود. این  
روز ۱۰ اکتبر است و هر ساله به

صفحه ۲



بحثی پیرامون  
محاکمه صدام و  
محاکمه بوش، بلر و شارون

### آذر ماجدی

محاکمه را از زاویه منافع انسانی و  
بشر دوستانه، از زاویه مردم عراق و  
فلسطین، و همچنین از زاویه قطب  
بندی های سیاسی - ایدئولوژیک  
بین المللی بررسی کرد. چه منافعی  
و چه انگیزه هایی پشت این  
محاکمات است؟ آیا این محاکمات  
مشروعیت دارند؟ انسایت متمدن و  
آزادیخواه، طبقه کارگر و کمونیسم  
در قبال این محاکمات چه موضعی  
باید اتخاذ کند؟ این محاکمات  
سابقه و پیشینه تاریخی میسازد،  
آیا این پیشینه برفع مبارزات مردم  
دنیا علیه دیکتاتوری ها و رژیم های  
سرکوبگر است؟ حقایق پشت این  
محاکمات چیست؟

دو محاکمه تاریخی در جریان  
تشکیل است. دو محاکمه سیاسی  
با تاثیرات مهم بر قطب بندی  
سیاسی و ایدئولوژیک در سطح بین  
المللی، بویژه در خاورمیانه.

روز چهارشنبه ۱۹ اکتبر  
محاکمه صدام حسین در بغداد آغاز  
شد. صدام صلاحیت دادگاه را  
نپذیرفت، دادستان برای او تقاضای  
حکم اعدام کرد و فعلا مساله معوق  
مانده است.

همزمان با آغاز دادگاه صدام،  
روزنامه الوطن چاپ عربستان  
گزارش داده است که دادگاهی به  
فراخوان اتحادیه وکلای عرب و به  
ریاست نلسون ماندلا، رئیس جمهور  
سابق آفریقای جنوبی و احمد بن بلا،  
رئیس جمهور اسبق الجزایر، برای  
محاکمه بوش، بلر و شارون در ۲۸ و  
۲۹ نوامبر تشکیل خواهد شد.

این دو محاکمه مهم و تاریخی  
است. باید اهمیت و جایگاه این دو

صفحه ۴

## یک کشور آزاد غیر مذهبی، غیر قومی، غیر ملی، با یک قانون واحد برای همه!

بخش دوم

فدرالیسم، سیاستی ارتجاعی و ضد انسانی است

علی جوادی

در ماههای اخیر تحركات قومی و  
ناسیونالیستی شدت بیشتری گرفته  
است. شعار فدرالیسم بطور برجسته  
تری در تبلیغات جریانات قومگرای

صفحه ۵

منتسب به کرد و عرب و بلوچ و  
آذری و همچنین برخی جریانات  
ناسیونالیست ایرانی دیده میشود.  
نسخه فدرالیستی کردن جامعه عراق  
به جریانات قومگرای ناسیونالیست  
تحرك بیشتری بخشیده است. متکی  
کردن شالوده های فلسفی و  
ایدئولوژیک حکومتها و دولتها

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ تور جهانی علیه اعدام

همین مناسبت مجموعه برنامه هایی بر علیه اعدام در دنیا برگزار میشود.

**انترناسیونال: چه کسانی در این تور شرکت داشتند؟**

**مینا احدی:** خود برگزار کنندگان در اول هر جلسه اعلام میکردند که سه سازمان و شش شخصیت سرشناس، برگزار کننده این برنامه ها هستند. عفو بین الملل و دو سازمان دیگر از سراسر دنیا شش نفر را انتخاب کرده و به این تور دعوت کرده بود. پروسه انتخاب سخنرانان خود یک پروسه چندین ماهه و با انجام مصاحبه با تعداد زیادی اتفاق افتاد. در نهایت شش نفر انتخاب شده اینها بودند. مارتینا کوریا از امریکا یکی از مسولین عفو بین الملل در امریکا در مبارزه علیه اعدام و خواهر مردی که ۱۵ سال است در سلول مرگ در امریکا است. ریک هالپرین مسول عفو بین الملل امریکا و چهره سرشناس مقابله و مبارزه با اعدام، هاشم محمد احمد از کشور سودان یکی از فعالین سیاسی علیه دولت سودان، زندانی سیاسی و همچنین یکی از رهبران اتحادیه های کارگری و کارمندی سودان بود. فاتنا البویه از مراکش، زنی که سالها بدلیل اعتراض به نبود آزادی سیاسی در مراکش زندانی بوده و اکنون یکی از چهره های سرشناس مبارزه بر علیه بی حقوقی و مدافع حقوق زنان است، هاری وو از چین یکی دیگر از سخنرانان بود، کسی که ۱۹ سال از عمر خود را در اردوگاه کار اجباری در چین بسر برده و پدر و برادرش اعدام شده اند. او امروز یکی از فعالین سرشناس بر علیه اعدام در چین است. و من از ایران و خاورمیانه انتخاب شده بودم، که در مورد اعدام در ایران و دیگر کشورهای خاورمیانه صحبت کنم.

**انترناسیونال: در مورد دعوت از خودتان صحبت کنید؟ چرا و به چه عنوان از شما به عنوان شرکت کننده در این تور دعوت شد؟**

**مینا احدی:** من حدود چهار ماه قبل یک نامه از عفو بین الملل گرفتم که در آن مرا دعوت به این جلسه کرده بودند. بعد از پاسخ مثبت من، دو مصاحبه مفصل با من داشتند و سپس بعد از انجام مصاحبات با تعداد زیادی، اعلام کردند که شش

متعددی از جمله سازمان جهانی علیه شکنجه در ژنو، سازمان مبارزه با قتل ناموسی و یا فعالین عفو بین الملل در همه شهرها و غیره ملاقات داشتیم. در عین حال یک ملاقات با مسولین وزارت امور خارجه سوئیس داشتیم.

**انترناسیونال: برخورد مردم با این تلاش ۱۰ روزه شما چی بود؟ چگونه از تلاش شما استقبال شد؟**

**مینا احدی:** سازمانهای فراخوان دهنده از چند ماه قبل مشغول این پروژه مهم بوده و عفو بین الملل به این مناسبت یک ویژه نامه چاپ کرده بود که در آن از بین شش سخنران مصاحبه ای با من داشت که این ویژه نامه در ابعاد چند ده هزار در کشور سوئیس توزیع شده بود. در عین حال به بسیاری از نهادها و یا شخصیتها نامه ارسال شده و برای این برنامه ها دعوت شده بود. استقبال مردم از این برنامه ها زیاد بود و بویژه اینکه وقتی هر شش نفر ما سخنرانی میکردیم، در بین صدها نفر حاضرین در هر جلسه، موجی از ابراز احساسات و محبت بسوی ما سرازیر میشد. در بسیاری از جلسات مردم بهمراه سخنرانان می گریستند و اینهمه وحشیگری و سبقت در قرن بیست و یک از سوی دولتهای مدافع و مجری اعدام، با انزجار و نفرت زاید الوصفی رویو میشد. بعد از هر جلسه پانل دهها نفر دور ما را گرفته و از ما درخواست آدرس تماس و یا درخواست راهنمایی برای اعلام نحوه اعتراض به این جنایات میشدند. یاد هست در یک جلسه سخنرانی در مدرسه ای در شهر فرایبورگ، یک پسر ۱۷ ساله بعد از شنیدن صحبتها، گت از کجا خرج کارهایتان تامین میشود، و وقتی شنید که از طریق کمکهای مردم، کیف پول خودش را در آورد و همه پولهایش را کف دست یکی از مسولین این برنامه ریخت. استقبال جوانان از این برنامه ها برای من جالب بود. و یکی از فعالترین بخش سازمان دهندگان و مبلغین این برنامه جوانان بودند.

**انترناسیونال: چه موضوعاتی در این تور در روز به طور برجسته ای مورد بحث قرار گرفت؟**

**مینا احدی:** اول جایگاه اعدام در این قرن و تعریف درست اعدام، قتل عمد دولتی اسم صحیح پدیده ای است که

ما با آن مواجه هستیم و همین اسم در طی جلسات تثبیت و تعریف شد. در عین حال پاسخ به توجیحات دولتها در مورد قتل عمد دولتی. اعدام پاسخ هیچ جنایتی در جامعه نیست، دولتها برای ترساندن مردم و عقب راندن مبارزات کارگران و معترضین، به اعدام دست میزنند و اعدام نه یک شکل از اعمال خشونت بر علیه مردم که مهمترین شکل آن است و در هر کشوری که اعدام رایج است به یقین باید گفت که در آنجا حقوق کارگران، زنان و کودکان و مردم حتما پایمال میشود. در مورد این موضوع که مبارزه با اعدام در دنیا را چگونه باید پیش برد و استراتژی این مبارزه چیست صحبت میشد. در عین حال در مورد جهانشمولی حقوق انسانی، سکولاریسم و ضرورت دفاع فعال از این اصول صحبت میشد. یک بخش سخنرانیهایی توضیح جایگاه اعدام و تاثیرات روانی آن در جامعه بود. تاثیرات اعدام در خانواده و محکومین به اعدام و وابستگان و بررسی نقش مذهب و کلیسا در این میان و غیره و غیره بخشی از مباحث مهم در این میان بود.

**انترناسیونال: کدام موارد از بحثهای شما برای شنوندگان جدید و جالب بودند؟**

**مینا احدی:** من از سرگذشت واقعی انسانهایی حرف میزدیم که برای نجات آنها تلاش کرده ایم، از مریم ایوبی که نجاتش برایمان ممکن نشد و از تولد دردناک کمیته علیه سنگسار که همزمان با سنگسار مریم بود. من از ژیلایزدی و آمنه لاول و زعفران بی بی که نجات یافتند، حرف میزدیم. از افسانه نوروزی که به یک قهرمان تبدیل شد و آزادی او از زندان در ایران جشن گرفته شد، و از نبرد امروز برای نجات کبرا و شهلا و سعید ماسوری و حجت زمانی. من با خود پیام چندین نفر از نجات یافتگان را برده بودم و همچنین نامه دو نفر از خانواده های اعدام شدگان و سنگسار شدگان. اینها همگی چنان با کف زدن و ابراز احساسات رویو میشد و چنان اشکهای شوق و غم را در هم می آمیخت که برای خود من بسیار هیجان انگیز بود. وقتی کمی از کارهای روزمره بسیار زیاد فاصله میگیریم به ابعاد عظیم کاری که مشغول آن هستیم بهتر پی میبریم. ییخود نبود که هر روزنامه ای از

من مطلب زد، از کلمه "خستگی ناپذیر علیه قتل انسانها" بسیار استفاده شده بود.

من در مورد شناخت سنگسار و تجارب موفق ما در مبارزه بر علیه آن حرف میزدیم و در مورد مبارزه ما بر علیه اعدام در ایران و در خاورمیانه، در مورد وجود یک جنبش علیه اعدام در ایران و در عین حال در نقد نسبت فرهنگی در غرب، جایگاه روابط حسنه دولتهای غربی با حکومت فاشیست اسلامی، در مورد جهانشمولی حقوق انسانی و دفاع سرسختانه ما از سکولاریسم در ابعاد مختلف. اینها همگی با استقبال مردم رویو میشد. بویژه بخش دفاع از جهانشمولی حقوق انسانی.

یک جنبه جالب در این تور حضور من از ایران و دو سخنران از امریکا بود که همگی دولتهای ایران و امریکا را بشدت نقد کرده و در دفاع از حقوق انسانی و بر علیه اعدام سخنرانی میکردیم. در شرایطی که دولتهای امریکا و ایران درگیر جنگ و مرافعه دائمی بوده و در همین روزها باز صحبت از تنش زیاد در روابط این دولتها بود، ما فعالین مدافع حقوق انسانی از ایران و امریکا در نقد هر دو دولت و هر دو جبهه تروریسم، و در دفاع از حقوق انسانی با صدای بلند حرف زده و همین مورد توجه مردم و مطبوعات قرار میگرفت.

**انترناسیونال: کمی در باره پیشنهاد جایگزین کردن "اعدام" با "قتل عمد دولتی" صحبت کنید. این تغییر چرا مهم است؟ چرا این پیشنهاد را کردید؟ استقبال از پیشنهاد چگونه بود؟**

**مینا احدی:** "مجازات اعدام" کلمه رایج در توضیح این پدیده ای است که همه ما مشغول مبارزه با آن هستیم. این کلمه در مورد موضوع وحشتناکی که مورد نقد و تعرض ماست، ابتدا گویا نیست. این کلمه بار مثبت دارد، انگار کسی جرمی مرتکب شده و کسی که مخالف انجام جرم است، در موضع صاحب جامعه دارد پاسخ میدهد، و این پاسخ به اصطلاح مورد نقد است. موضوعی که ما در موردش حرف میزنیم اینست که دولتی در نهایت خونسردی و در روز روشن تعداد زیادی را به قتل میرساند. تعرض علنی و رسمی و

## از صفحه ۲ تور جهانی علیه اعدام

بیشرمانه و با توجهات متعدد به حق حیات انسانها. البته همه این دولتها، سعی دارند اعدام علنی باشد و لیست کسانی که اعدام میشوند، بیشتر شامل فعالین سیاسی، رهبران کارگری، مدافعین حقوق انسانی و حقوق زنان و مخالفین حکومت، کمونیستها و معترضین و منتقدین به خدا و مذهب و دولت و غیره و غیره است. دولتها با چنگ و دندان از اعدام دفاع میکنند، چرا که این یک سپر دفاع از خودشان در مقابل مردم است. اعدام برای ایجاد ترس و وحشت در جامعه و برای عقب راندن مردم است. آمار اثبات میکند که هر جا اعدام رسمیت دارد، میزان قتل و جنایت در جامعه نیز بالاست و بر عکس هر جا اعدام ممنوع شده، احترام به انسان و حق حیات نیز بالاتر رفته و قتل در خیابان و خانه ها نیز کمتر شده است. پس نامیدن این پدیده به همان اسم واقعی خودش یک پیشرفت است. اعدام قتل عمد دولتی است و باید به همین اسم در فرهنگ لغات وارد شود.

**انترناسیونال: انعکاس این تور در**

رسانه های جهانی چگونه بود؟ با چه رسانه هایی مصاحبه کردید؟

مینا احدی: ما در این مجموعه برنامه ها سه کنفرانس مطبوعاتی داشتیم که در ابعاد وسیعی انعکاس یافت. تا کنون بیش از سی روزنامه و مجله خبر این تور و یا بخشهایی از صحبتها سخنرانان را منعکس کرده اند. با من چندین روزنامه مصاحبه های مفصل تری داشتند که بخش کرده اند. جالب اینست که روزنامه سراسری "بوند" به زبان آلمانی و یک روزنامه چاپ فرایسبورگ متن مصاحبه با مرا با تیتیر "اعدام، قتل عمد دولتی است" چاپ کردند که بسیار مهم بود. در عین حال شبکه سراسری خبرگزاری سویس در مورد این تور سخنرانی بارها اخباری را منعکس کرد که در سطح بین المللی انعکاس داشت. تلویزیون سویس این تور سخنرانی را در بخش اخبار و یا برنامه های دیگر پخش کرد و همچنین بیش از ده رادیو محلی و سراسری با ما مصاحبه هایی انجام داده و خبر این حرکت و مباحثات ما را منعکس کردند.

مینا احدی: یک هدف مهم من در سویس عطف توجه عمومی به ابعاد گسترده و وحشیانه اعدامها در ایران بود. اعدام نوجوانان، اعدام عقب ماندگان ذهنی، اعدام فعالین سیاسی و یا زنان تن فروش و یا معتادین و در عین حال این کار با استفاده از چند کیس سمبلیک به پیش برده میشد. کبرا رحمانپور و شهلا جاهد کسانی هستند که برای نجات آنها کمپین های گسترده جهانی سازمان داده و تا کنون جلوی اعدام آنها را گرفته ایم. در این ده روز هزاران نسخه اطلاعاتیه و عکس در این مورد توزیع شد و من در سخنرانیهای خودم در این مورد در بسیاری از مراکز حرف زدم. در مقابل دوربین خبرنگاران و در جلسات با فعالین سازمانها و در

در تلویزیون پخش میشود و من و مارتینا کوریا و ریک هالپریان از امریکا در یک برنامه گفتگوی ۲۰ دقیقه ای با رادیو جوانان سویس حضور داشتیم که همزمان با این تور بارها پخش شد.

بهر حال انعکاس مطبوعاتی این تور گسترده و وسیع بود. افشای جنایات جمهوری اسلامی و نشان دادن حضور یک جنبش قوی سکولار و ضد اعدام در ایران از جمله دستاوردهای این سفر است.

**انترناسیونال: لطفا جالبترین جنبه ها و لحظات این تور علیه اعدام را با خوانندگان انترناسیونال در میان بگذارید.**

مینا احدی: لحظات جالب در این برنامه ها زیاد بود. نفس حضور شش نفر از دنیا با تجارب متعدد، با عزم جزم برای مقابله با اعدام و با سخنرانیهای مهیج که هیچگاه از شنیدن آن خسته نمیشدیم، منجر به ایجاد دوستی و مودتی در بین ما در این ده روز شد که بسیار جالب بود. من امروز از مارتینا کوریا یکی از سخنرانان این تور، که برادرش ۱۵ سال است در سلول مرگ در

امریکا است، نامه ای گرفتم که گفته بود "دلم برایت تنگ شده، تو خواهر من هستی و برادرمان در زندان حالش خوب است و سلام میروساند." در این ده روز موجی از ابراز احساسات و دوستی بسوی ما سرازیر بود. بویژه اینکه ابعاد فعالیتی که ما انجام میدهیم و تاثیرات آن در دنیا مورد توجه و تشویق بسیاری بود. من در این تور با افتخار از عقب راندن قانون شریعه در کانادا به همت فعالین جنبش ما و بویژه هما ارجمند و یا گرفتن جایزه از سوی مریم نمازی به عنوان سکولاریست سال حرف زده و بویژه اعلام خبر اینکه ما یک تلویزیون داریم که بیست و چهار ساعته فعالیت میکند، برای بسیاری جالب و هیجان انگیز بود. برای من یکی از جالب ترین لحظات، اعلام کلمه قتل عمد دولتی بجای اعدام از سوی من و رییس عفو بین الملل امریکا ریک هالپرین بود که بلافاصله حاضرین در جلسه آثرا بکار برده و هر کس حرف زد از آن پس از همین ترم استفاده کرد.

**انترناسیونال: مبارزه علیه قتل عمد دولتی همیشه جریان داشته است. این تور ۱۰ روزه، این مبارزه را در**

چه موقعیت جدیدی قرار داد؟

مینا احدی: این تور به مناسبت روز جهانی علیه اعدام بود که در دو سال گذشته با برگزاری کنگره جهانی علیه اعدام پیش رفته که بیش از دو روز نبوده است. این بار ده روز با حضور شش نفر و در ابعادی گسترده برگزار میشد. همین در خود مهم بود. در عین حال این برنامه نشان داد که باید به سراغ این معضل مهم بین المللی، در ابعادی گسترده تر رفت، باید بر علیه اعدام و قتل عمد دولتی در ابعادی بین المللی و متحد مبارزه کرد و باید برای ایجاد ائتلافهای گسترده تر جهانی بر علیه اعدام کوشش نمود. در این مورد مفصل صحبت کردیم که چگونه میتوان یک جنبش جهانی علیه اعدام راه انداخت، جنبشی میلیتانت و موثر، با اعمال فشار بیشتر به دولتها. هم اکنون در ۸۵ کشور جهان اعدام ممنوع است. در افریقا در چند سال اخیر چندین دولت اعدام را ممنوع کرده اند. چگونه میتوان این فشار را روی دولتهای مدافع اعدام گذاشت و بویژه چند کشوری که در راس جدول هستند، چین، امریکا، ایران و غیره.

حضور ما در این برنامه ها، بیانگر موقعیت امروز جنبش ما در این حرکات و در عین حال نقشی است که باید در آینده بازی کنیم. این موضوع مهمی است.

**انترناسیونال: برنامه های بعدی تان برای گسترش مبارزه علیه قتل عمد دولتی چیست؟**

مینا احدی: ما در نتیجه ارتباطاتی که اکنون و بعد از این مجموعه برنامه گسترده برایمان ایجاد شده، در موقعیتی هستیم که یک منشور مترقی جهانی به همه سازمانهای مخالف اعدام پیشنهاد کرده و به نوعی در جهت تشکیل یک ائتلاف موثر جهانی بکوشیم. ما باید بتوانیم در مقابل سه دولت ایران و چین و امریکا، متحدانه برنامه های اعتراضی گسترده جهانی سازمان داده و این دولتهای آدمکش و دیکتاتور را به عقب نشینی وادار کنیم. در عین حال این یک پروسه مهم همکاری و مبارزه مشترک با دهها و صدها سازمان مخالف اعدام است. هم اکنون ائتلافهای متعددی وجود دارد که میتوان با آنها تماس گرفت و برای ایجاد یک ائتلاف بزرگ و موثر جهانی تلاش

کرد.

**انترناسیونال: چه پیامی برای مردم ایران و جهان در مورد مبارزه با جنایتی به نام "اعدام" یعنی همان قتل عمد دولتی دارید؟**

مینا احدی: پیام من اینست که این معضل را باید جدی گرفت. صحبت در مورد آن و دادن چهره به این موضوع مهم است. اینکه اعدام شدگان انسانهایی هستند مثل من و شما که با یک دنیا آرزو و احساسات و ترس و وحشت، در روز روشن توسط جلادان، با شلیک گلوله و یا به دار آویخته شدن به قتل میرسند، با تزریق سم و یا در صندلیهای الکتریکی جان می سپارند و دنیا با سکوت نظاره گر این قتل عمد خونسردانه و بیشرمانه دولتی است. هم اکنون در امریکا بیش از سه هزار نفر در انتظار اعدام هستند، در چین هزاران نفر در سلولهای مرگ نشسته اند و جمهوری اسلامی ایران روزانه چندین نفر را به اعدام محکوم میکند.

این یک واقعه مهم در دنیا است و به همه مربوط است. هم کسانی که در کشورشان اعدام قانونی است و هم همه مردم در دنیا. اعدام تعرض به بشریت و تعرض به استانداردهای رعایت حقوق انسانی در سطح بین المللی است. باید بر علیه آن فعال بود. باید به بحث در این مورد دامن زد و باید فعالانه بر علیه آن مبارزه کرد.

در ایران که حکومت فاشیست اسلامی هزاران نفر را به قتل رسانده، هر خانواده ای به نوعی قربانی این فاجعه بوده است. بسیاری از ما عزیزان خود را از دست داده و این درد مهلک را می شناسیم. باید دست بکار شد. باید آستین بالا زد و بهر طریق ممکن به این جنایات وحشیانه اعتراض کرد. پیام من، درخواست به اعتراض به این فاجعه است، با اعتراض خودتان بهر طریق ممکن، کمک کنید این بختک شوم از بالای سر جامعه بشری برداشته شود. ممنوعیت اعدام در دنیا باید شعار ما باشد. در همه جا و بهر طریق ممکن به قتل عمد دولتی اعتراض کنید. با ما تماس بگیرید و کمک کنید تا جنبش اعدام گسترده تر و فعالتر به پیش برده شود. این حربه را باید از دست دولتها گرفت. قتل عمد دولتی وحشیانه و قرون وسطایی است و باید به تاریخ سپرده شود. \*

از صفحه ۱

**عدالت، حقیقت ...**

هزاران نفر کشته و شکنجه شده اند. دولت عراق تحت ریاست صدام یک سیاست رسمی پاکسازی قومی را علیه مردم کرد و مردم منتسب به شیعه به پیش برده است. صدام بی تردید باید برای ارتکاب این جنایات و برای سازماندهی یک دستگاه سیستماتیک سرکوب محاکمه شود. اما مساله اینجاست که این دادگاه صلاحیت محاکمه نه تنها صدام حسین، بلکه محاکمه هیچکس را ندارد.

دولت موجود همانقدر به مردم عراق تحمیل شده است که دولت صدام حسین تحمیل شده بود. این دولت منتخب مردم عراق نیست، این دولت علیرغم خواست و میل مردم عراق به قدرت رسیده است. این دولت محصول تهاجم نظامی آمریکا و بریتانیا و اشغال عراق است. این یک دولت سرکوبگر و ارتجاعی است، این یک دولت قومی - مذهبی است. این دولت صلاحیت تشکیل هیچگونه دادگاهی را ندارد.

کسانی که دارند صدام را محاکمه میکنند، خود باید بخاطر اتهاماتی مشابه بر صندلی محاکمه بنشینند. این یک دادگاه سیاسی است با هدف مشروعیت بخشیدن به تهاجم نظامی آمریکا و بریتانیا به عراق، بمنظور مشروعیت بخشیدن به دولت غیرمشروع حاکم، برای دور کردن اذهان از جنایات، و کابوس سیاهی که حمله نظامی به عراق و حاکمیت این دارو دسته قومی -

اسلامی به مردم عراق تحمیل کرده است. محاکمه صدام قرار است یک فصل را در تاریخ سرکوب و جنایت در عراق ببیند و فصل دیگری را آغاز کند. این محاکمه قرار است قدر قدرتی دولت آمریکا را یک بار دیگر به اثبات برساند. محاکمه صدام توسط دولت فعلی عراق برگ دیگری از سیاست نظم نوین آمریکا است و هیچ ربطی به عدالت خواهی قربانیان دولت بعث، و مردم عراق ندارد. این دادگاه صلاحیت ندارد، نه فقط به این خاطر که عادلانه نیست، بلکه به این خاطر که اهداف سیاسی معینی را برای خاک پاشیدن به جنایات و سرکوب محاکمه کنندگان دنبال میکند.

در توصیف و معرفی دادگاه بر کرد بودن قاضی تاکید میشود. این

خود یک دلیل دیگر بر عدم صلاحیت این دادگاه است. عنوان کردن ملیت قاضی دادگاه تلاش سیاسی دیگری برای موجه و مشروع جلوه دادن این محاکمه است. نیت شان با زمختی ناهنجاری پدیدار است. صورت مساله چنین است: یکی از جنایات صدام حسین سرکوب مردم کردستان عراق و پاکسازی قومی است. قرار است با اعلام کرد بودن قاضی به دنیا اعلام شود که این دادگاه دارد عدالت را برای قربانیان تأمین میکند. این یک دروغ بزرگ و یک ریاکاری محض است. استنادات رسمی به ملیت و نژاد قاضی و هیات ژوری در هریک از کشورهای متمدن جهان بلافاصله رای به عدم صلاحیت دادگاه خواهد داد. چون استدلال میشود که این دادگاه جانبدار است. عوامفریبی است، به این خاطر که مردم کردستان عراق طی دهه گذشته جنایات و سرکوب بسیاری را در دست احزاب و شبه دولت های ناسیونالیست کرد متحمل شدند. اگر قرار است بخاطر جنایت و سرکوب کار بدستانی را محاکمه کنند، رهبران ناسیونالیست کرد از جمله جلال طالبانی، رئیس جمهور فعلی عراق قطعاً در این لیست قرار خواهد گرفت. این تلاشی برای کسب مقبولیت و مشروعیت برای دولتی است که در انتظار مردم عراق از مقبولیت و مشروعیتی برخوردار نیست.

**محاکمه عادلانه یک ضرورت یا مطالبه ای لوکس؟**

زمانی که عادلانه بودن محاکمه صدام طرح میشود، برخی میپرسند، صدام یک جنایتکار شناخته شده و منفور است، عدالت برای صدام به چه معناست؟ هر دادگاهی باید صدام را محکوم کند و محکوم هم خواهد کرد. در این پرسش یک حقیقت مهم نهفته است. ولی این پرسش یک وجه دیگر حقیقت را نادیده میگیرد. دولتمردانی که یک سیاست سرکوب و جنایت آشکار و سیستماتیک را سازمان داده اند، مانند صدام حسین، رهبران جمهوری اسلامی، آگوستو پینوشه، خونتاهای نظامی آمریکای لاتین، و امثالهم کارنامه جنایت شان بر خاص و عام آشکار است، و به این

اعتبار میتوان آنها را بدون محاکمه مجازات کرد. ولی آیا محاکمه جنایتکاران دولتی صرفاً برای مجازات آنها است؟ پاسخ بنظر من منفی است. محاکمه این جنایتکاران پروسه آشکار کردن کلیه جنایات و حقایق پوشیده و پشت پرده جنایات بوقوع پیوسته نیز هست. بعلاوه، بیش از هر چیز، در پروسه این محاکمه است که قربانیان درد جانکاهشان کمی تسلی می یابد. و بالاخره چنین دادگاه هایی اسناد تاریخی مهمی در افشای جنایات و سرکوب های دولتی اند که مردم با اتکاء به آن میتوانند مبارزه شان علیه دیکتاتوری و سرکوب را مجهزتر به پیش برند. علاوه بر اصل عمومی و کلی محاکمه عادلانه یک حق انکار ناپذیر هر فرد، به این دلایل سیاسی و اجتماعی نیز محاکمه علنی و عادلانه برای جنایتکاران دولتی لازم و ضروری است.

**محاکمه بوش، بلر و شارون**

این یک محاکمه سمبلیک است، چرا که این دادگاه از هیچگونه قدرت اجرایی برای پیاده کرده حکم خود برخوردار نیست. با این وجود این یک حرکت مهم و یک ابتکار جالب است. بوش و بلر هر دو باید بعنوان جنایتکاران جنگی محاکمه شوند و شارون بخاطر جنایات بیشمارش علیه مردم فلسطین. در دنیای نابرابر کنونی چنین اتفاقی بوقوع نخواهد پیوست. این دنیا ناعادلانه و نابرابر است. مهم نیست که پرونده جنایتشان چقدر سنگین است، در شرایط حاضر اینها فاتحان اند و فقط شکست خوردگان محاکمه میشوند. در دنیایی که اسلابودان میلاسوویچ بخاطر جنایات جنگی محاکمه میشود، قطعاً بوش و بلر نیز باید روی صندلی محاکمه بنشینند. پینوشه قطعاً باید محاکمه شود، و صدها دیکتاتور سرکوبگر و جنایتکار دیگر که چون در ائتلاف با فاتحین هستند، محاکمه و عدالتی تهدیدشان نمیکند. اگر دنیا عادلانه بود در کنار میلاسوویچ و صدام، بوش و بلر و شارون و پینوشه و سران جمهوری اسلامی نیز محاکمه میشدند. ولی این دنیا عادلانه و برابر نیست. استانداردهای دوگانه بر آن حکومت میکنند. باین اعتبار این دادگاه

سمبلیک پیامی مهم به دنیا میدهد. پیشینه تاریخی مهمی بنیان میگذارد.

اتهام این سه تن جنایت علیه مردم عراق و فلسطین و موارد مشخصی از جنایت در زندان ها و اردوگاه های فلسطینی است. تمام این موارد محق است و باید حقایق مربوط به این جنایات آشکار شود. ولی آنچه سایه تاریکی بر روی این ابتکار جالب میاندازد، یکی از اتهامات است که محلی از اعراب نمیتواند داشته باشد: این سه تن علاوه بر جنایات متعدد متهم شده اند که به مقدسات فرهنگ اسلامی و عربی این دو ملت تعرض کرده اند. این اتهامی ناوارد و بسیار خطرناک و گمراه کننده است.

تعرض به فرهنگ یا مذهب جرم نیست و نباید باشد. ارتقاء آن تا سطح مقدسات مساله را حتی غامض تر میکند. این جرمی است که بر مبنای ناسیونالیسم و مذهب تراشیده شده است، و درست باین خاطر خطرناک است و به آسانی میتواند مبنای فاشیسم باشد.

از آن رو که این حرکت قطعاً با استقبال گرم اکثریت مردم منطقه، نیروهای آزادیخواه و حق طلبی که از تروریسم دولتی آمریکا، دولت های غربی و اسرائیل خسته و بیزار شده

اند، روبرو خواهد شد، بویژه مهم است که این وجه ارتجاعی و ناسیونالیستی آن وسیعاً افشاء شود. با برسمیت شناسی بدون قید و شرط چنین دادگاهی مکانی پر افتخار و رفیع به ناسیونالیسم عرب و جنبش اسلامی داده خواهد شد. و این در عمل بنفع قطب دیگر جنایت و ترور مردم منطقه، اسلام سیاسی و ناسیونالیسم عرب عمل خواهد کرد و حقیقت را از چشمان پنهان خواهد کرد.

محاکمه بوش، بلر و شارون عملاً بدیل ناسیونالیسم عرب و جنبش اسلامی به محاکمه صدام توسط دولت آمریکا است. این محاکمات هر دو محاکماتی سیاسی با منافع سیاسی - ایدئولوژیک معین و هریک برای بی اعتبار کردن قطب مقابل و حقانیت بخشیدن به خود است. متهمین هر دو محاکمه مستحق محاکمه شدن برای جنایاتی هستند که در حق مردم انجام داده اند، ولی مشکل اینجاست که در هیچیک عدالت طلبی مردم سرکوب شده و قربانی هدف نیست. در قبال هر دو محاکمه در عین تاکید بر حقانیت محاکمه متهمین باید منافع سیاسی و اهداف محاکمه کنندگان برای مردم افشاء شود. \*

**رادیو انترناسیونال**

۲۱ متر ردیف ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

Tel: 0044-779-1130-707

**دفتر مرکزی حزب**

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk

**تلویزیون انترناسیونال**

هر شب ساعت ۸ تا ۹:۳۰ به وقت تهران

**مشخصات فنی آنتن**

Satellite: Telstar 12

Center Frequency: 12608 MHz

Symbol Rate: 19279

FEC: 2/3

Polarization: horizontal

## از صفحه ۱ یک کشور آزاد غیر مذهبی ...

جدید بر مبنای قومیت و ملیت و مذهب علی‌العموم به این تلاشها و تحرکات ابعاد و زمینه‌های جدیدی برای گسترش و مادیت بخشیده است.

در بخش اول این مطلب به موقعیت رژیم جمهوری اسلامی، زمینه‌های عمومی و جهانی تحرك ناسیونالیسم و شاخه‌های قومگرا و افراطی آن و هم چنین به مختصات آلترناتیو راست در تحولات آتی ایران اشاره شد. در این بخش به جایگاه، زمینه‌ها و پی‌آمدهای سیاست فدرالیسم در تحولات جاری می‌پردازیم.

## نقش مغرب ناسیونالیسم و قومی‌گری در تحولات آتی

ایران دستخوش عظیم‌ترین تحولات اجتماعی است. سرنگونی و سقوط رژیم اسلامی محتوم است. راه فرار و نجاتی برای رژیم اسلامی متصور نیست. جدال و کشمکش بر سر آینده ایران یک محور تعیین کننده کشمکش‌های سیاسی جامعه است. این جدال همه جانبه است. اقتصادی و سیاسی و اجتماعی است. نه تنها نوع و محتوای اقتصادی و سیاسی و مبانی فکری و عقیدتی نظام آتی بلکه شکل و چهارچوب و ساختارهای آن موضوع یک جدال عظیم طبقاتی و اجتماعی است. مساله ایدئولوژی و فلسفه حکومت علاوه بر مبانی سیاسی و ساختاری حکومت خود موضوع جدال میان جریان‌های مختلف مدعی قدرت سیاسی در فردای ایران است.

یک محور تلاش جریان‌های دست راستی و محافظه کار قرار دادن هویت قومی و ملی در تعیین شالوده‌های فکری و فلسفی حکومت آتی در ایران پس از جمهوری اسلامی است. ملیت و ملی‌گرایی، قومیت و قومی‌گرایی رگه‌های مختلفی از این تلاش برای شکل دادن به فلسفه و ایدئولوژی حکومت و نظام آتی در ایران هستند. ابعاد و چگونگی و تاثیر این تلاش جریان‌های ناسیونالیست و قومگرا را باید و میتوان با تلاش جریان‌های اسلام‌گرا در دوران شکل‌گیری حاکمیت ضد انقلاب اسلامی مقایسه کرد. اگر در تحولات سالهای ۵۷ جریان‌های مترجع

اسلامی با هم دستی و کمک‌گرم توانستند اسلام و اسلامیت را به مبنایی برای شکل دهی حکومت جایگزین رژیم استبداد شاهی قرار دهند و خواست مردم برای آزادی و برابری و رفاه را به خاک و خون بکشند و یک دیکتاتوری سیاه مذهبی را بر مردم و جامعه تحمیل کنند؛ این بار هم جریان‌های ناسیونالیست و قومگرا کودکانه بنام اصالت ملی‌گرایی و ملیت و قومگرایی تلاش میکنند که چنین آینده‌ای را برای مردم تدارک ببینند.

کمتر کسی است که نداند که رژیم اسلامی محصول انقلاب ۵۷ نبود، اما جریانی بود که قادر شد با توجه به امکانات و پشتیبانی غرب و بردوش‌شانه‌های جریان ملی - مذهبی در ایران حاکمیت را از آن خود کند. زمانی که دیگر زوال و سقوط رژیم شاه برای همگان مسجل شده بود بورژوازی غرب بمنظور به سرانجام رساندن همان نقشه عمل و اهداف رژیم شاه، جریان اسلام‌گرا را از لجنزار حاشیه‌ای‌ترین جریان‌های ضد کمونیست و ضد آزادیخواهی به جلوی صحنه آورد. پر و بالی بهشان دادند و در توافق و بند و بست‌های ارتجاعی این جریان‌ها قدر شدند با حمایت بخش‌های وسیع جنبش ملی - مذهبی در راس قدرت گیرند. و دیدیم که ضد انقلاب اسلامی چه سرنوشت سیاهی را برای مردم تدارک دید. خمینی و جریان اسلامی محصول چرخش و عقبگرد سیاسی و مذهبی مردم در ایران نبود. منشاء قدرت‌گیری و حاکم شدن جریان اسلامی نفوذ و قدرت مذهب در جامعه و یا بی‌علاقگی و تمدن‌گریزی مردم ایران نبود. به قول منصور حکمت جریان اسلامی را همان جریان‌هایی که به جلوی صحنه انقلاب ۵۷ کشانند که تا روز قبلش زیر بغل رژیم شاه را گرفته بودند. همان کسانی که ساواکش را تعلیم داده بودند. و نیازمند یک کمر بند سبز در کشمکش‌های جنگ سرد و مقابله با شوروی و بلوک شرق بودند. جریان‌های ناسیونالیستی هم عموماً بر متن چنین سناریوهایی از تحولات اجتماعی و سیاسی فعالیت میکنند. ماتریال مادی چنین تحولی هستند. خواست ایجاد حکومتی بر مبنای هویت‌های کاذب

ملی و یا ترکیبی از هویت ملی و قومی تدارک یک چنین سرنوشت سیاه دیگری برای مردمی است که برای آزادی و برابری و رفاه تلاش میکنند. ترجمه زمینی و امروزی چنین تقلاهایی کاملاً روشن است. سرانجام یک تحول ناسیونالیستی در دوران حاضر نمیتواند بدون ایجاد گورهای دسته جمعی و خلق فجایعی از جمله "پاکسازی قومی" و تولید گسترده‌ترین کینه و نفرت قومی و قبیله‌ای و ملی و تفکرات نژاد پرستانه در جامعه همراه نباشد.

واقعیت این است که بر خلاف ناسیونالیسم قرن نوزده و اوایل شکل‌گیری دولتهای بورژوازی که پروژه‌های دولت - کشور سازی عموماً بر مبنای ادغام "اقوام" ساکن در سرزمین‌های مورد نظر که امکان شکل‌گیری یک سازمان اقتصادی قوام یافته بورژوازی را ممکن میکردند، صورت میگرفت؛ در دوران حاضر پروسه‌های دولت - کشور سازی عمدتاً با تحرك گسترده قومگرایی، تجزیه قومی و ملی و ایجاد خصومت و کینه توزی قومی و ملی و نژادی مترادف است. موقعیت کشورهای تازه ایجاد شده بلوک سابق شرق و همچنین وضعیت عراق کنونی گواهی بر این ادعا است. در این دوران ناسیونالیسم و قوم‌گرایی و مذهب مبنای شالوده‌های حکومت‌های کنونی بورژوازی را تشکیل میدهند. و مهمتر این پروسه‌ها بخشی از سیاست واقعیت سیاسی نظم نوین جهانی است. بطور مثال هویت ملی آمریکایی در دوران شکل دادن دولت - کشور آمریکا در هیچ دورانی متکی به تعلق زبانی و قومی و نژادی مشترک و واحدی نبود. برخلاف ناسیونالیسم قومی که بر اشتراك زبان و قومیت تاکید مفرطی دارد، ناسیونالیسم لیبرالی قرن نوزده متحد کننده و ادغام کننده اقوام مختلف ساکن سرزمین مورد نظر بود. اما در دوران حاضر کمتر پروسه ناسیونالیستی کشور سازی را میتوان مشاهده کرد که به رو در روی قومی و ملی و نژادی منتج نشده باشد. حتی زمانیکه این پروسه‌ها به سرانجامی رسیده اند، شرایط جدید مستلزم تضمین انواع نابرابری و تبعیض و ستم و خصومت در میان احاد جامعه بوده است. ناسیونالیسم و قومگرایی در

تحولات امروز همان نقش سیاه و واپسگرا و مخربی را ایفا میکند که مذهب و اسلام در تحولات ۵۷ ایفا کرد. تلاش برای حقنه کردن هویت‌های ارتجاعی ملی و قومی بر مردمی که میخواهند آزاد و برابر باشند، نمیتواند نتیجه دیگری داشته باشد.

## جایگاه و چشم انداز ناسیونالیسم و قومگرایی

جایگاه و زمینه‌های تحرك ناسیونالیسم و قوم‌گرایی در جامعه و تحولات سیاسی آتی ایران چیست؟ برای پاسخ باید به زمینه‌های شاخه‌های مختلف ناسیونالیسم و تاریخچه و مناسبات جریان‌های ناسیونالیست پرداخت. ناسیونالیسم ایرانی دارای یک سابقه تاریخی و یک افق دیرپاتر در تحولات معاصر ایران است. اما ناسیونالیسم قومی فاقد چنین زمینه و تاریخچه سیاسی است. اگرچه ناسیونالیسم علی‌العموم و ناسیونالیسم ایرانی بطور مشخص یک افق سیاسی مطرح در تحولات معاصر است و به درجاتی در جامعه و در میان مردم دارای ریشه اجتماعی و تحرك قابل ملاحظه‌ای است، اما ناسیونالیسم قومی از چنین جایگاهی برخوردار نیست. هویت قومی و قوم‌گرایی از ریشه و سابقه‌ای در میان مردم برخوردار نیست. به سستی میتوان کمتر بخشی از جامعه را مشخص کرد که خود را با تعلقات قوم پرستانه تعریف و بیان کند. اما ناسیونالیسم ایرانی دارای کارنامه و تاریخچه‌ای است که تحولات معینی را در تاریخ تحولات کاپیتالیستی ایران به نام خود ثبت کرده است. افق حاکم در تبدیل ایران به یک کشور و یک دولت بر مبنای قوانین بورژوازی مالکیت و حقوق بورژوازی بود. ایجاد یک جامعه واحد با زیر ساختها و مناسبات مالکیتی سرمایه داری و تغییر آن از جامعه عقب مانده عشیرتی و فئودالی به جامعه سرمایه داری پرچم عمومی این جنبش بود.

اما این تغییر و تحول بورژوازی بر خلاف تحولات پیش از آن در اروپا با یک انقلاب بورژوازی و یا یک تکان شدید اجتماعی از پایین همراه نبود. بلکه استبداد و دیکتاتوری رضا خانی چاشنی این تغییر و تحول و مهندسی اجتماعی از بالا بود.

استبداد سیاسی و دیکتاتوری همواره رکن اساسی حاکمیت بورژوازی - ناسیونالیستی در ایران بوده است. به لحاظ سیاسی این شاخه از ناسیونالیسم به شدت سرکوبگر و عظمت طلب بوده و در دورانهای متوالی در حاکمیت سلطنت پهلوی سایر بخش‌های ناسیونالیست را سرکوب کرده و توانسته بود که خود را در موقعیت "ناسیونالیسم حاکم" و "متحد کننده" قرار دهد. رابطه و مناسبات میان گرایش‌ها و شاخه‌های مختلف ناسیونالیسم در پس از سرنگونی رژیم شاه دستخوش تغییرات اساسی و تعیین کننده‌ای شد. سهم خواهی از قدرت بورژوازی و تجدید تعریف موقعیت این بخش‌های بورژوازی که با پرچم قوم پرستی و فدرالیسم و هویت ملی و قومی وارد میدان شده اند یک رکن دعوای میان بخش‌های راست جامعه بطور مشخص است. یکی از مخاطراتی که فردای تحولات سیاسی ایران را تهدید میکند رقابت و تضادهای این جریان‌های ناسیونالیستی مختلف است. هر درجه تحرك ناسیونالیسم مستلزم کینه توزی و خصومت و ضدیت با هویت عام و جهانشمول انسانی است. تشدید رقابت و کشمکش جریان‌های ناسیونالیستی و جریان‌های ناسیونالیست قوم پرست منشاء انواع کشمکش‌ها و خونریزی‌ها است. جامعه‌ای که صحنه تحرك این جریان‌ها باشد بدون شك دستخوش جنون ملی و قومی است. ناسیونالیسم قوم پرست امروز سهم خواهی خود را از قدرت در پرچم فدرالیسم پیچیده است.

## فدرالیسم:

## واقعیتات و توهمات

بر خلاف تصورات و تبلیغات جریان‌های ناسیونالیست قوم پرست فدرالیسم نسخه‌ای برای "رفع ستم ملی" و یا "دمکراتیزه کردن جامعه" و یا اقدامی در جهت "گسترش آزادیهای سیاسی" در جامعه نیست. راه حلی مدنی برای جامعه‌ای متشکل از "اقوام" متکلم با زبانها و یا "تاریخچه قومی" متفاوت نیست. نسخه‌ای برای "همزیستی مسالمت آمیز" و "آشتی اقوام" و احاد مختلف یک جامعه نیست. بر عکس متضمن تحمیل یک عقبگرد عظیم

## از صفحه ۵ یک کشور آزاد غیر مذهبی ...

فرهنگی و اجتماعی و همه جانبه به مردم است. یک شعار و سیاست ارتجاعی و ضد مردمی است. سیاسی است که عمیقترین شکافها و خصومت‌های قومی و ملی را در جامعه نهادینه میکند. فدرالیسم به لحاظ عملی تنها میتواند چاشنی یکی از خونین‌ترین درگیری‌ها در تاریخ معاصر ایران باشد. (بیانه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری، در محکومیت شعار فدرالیسم، ژوئن ۱۹۹۶)

فدرالیسم نسخه ای برای "رفع ستم ملی" نیست. برعکس تلاشی برای نهادینه کردن تمایزات و اختلافات میان بخش‌های مختلف مردم است. ستم ملی و هر گونه ستم و تبعیضی بر مبنای انتساب افراد جامعه به ملیت‌های مختلف یکی از وجوه کریه نابرابری انسانها در جامعه طبقاتی سرمایه داری معاصر است و باید از میان برده شود. نابودی ستم ملی و تضمین برابری همه انسانها و شهروندان جامعه مستقل از تعلقات قومی و ملی یک هدف اعلام شده کمونیسم کارگری است. پاسخ اصولی به ستم ملی، تلاش همه جانبه برای رفع ستم ملی و تضمین برابری همه جانبه انسانها و از میان بردن سرمایه داری و استثمار و جامعه طبقاتی است. اما فدرالیسم نه تنها تمایزات "ملی و قومی" را از میان نمی برد بلکه این تقسیم بندیها را به سطح کشمکش و رو در رویی همه جانبه ارتقاء میدهد.

فدرالیسم تلاشی برای "دمکراتیزه کردن" قدرت سیاسی در جامعه نیست. برعکس ایجاد دولت متکی بر فدرالیسم قومی نه تنها تلاشی برای دمکراتیزه کردن قدرت سیاسی و آزادیهای بیشتر سیاسی نیست بلکه هویت قومی و ملی را در تمامی شئون نظام اداری جامعه نهادینه میکند. حاکمیت فدرال و قومی بهیچوجه متراف با حاکمیت آحاد مردم قرار داده شده در یک چهارچوب فدرال نیست. نفس ایجاد حاکمیتی بر مبنای قومیت و ملیت بعنوان مبنای حقوقی و معنوی در هر محدوده ای خود ناقض حق حاکمیت شهروندان و نتیجتاً زیر پا گذاشتن حق واقعی مردم در آن محدوده در تعیین سرنوشت و

سوخت و ساز اداری و حکومت است. هیچ نوع عنصر دمکراتیکی در یک نظام فدرالیستی مستتر نیست. اگر قرار دادن عنصر مذهب و مثلاً اسلام در مبنای حکومت عین زیر پا گذاشتن ابتدایی ترین حقوق مدنی و شهروندی انسانهاست؛ قرار دادن عنصر قومیت و ملیت در حکومت نیز نقشی معادل قرار دادن مذهب در دولت و نظام اداری کشور دارد. نظام داخلی یک حکومت فدرال قومی نمیتواند سر سوزنی "دمکراتیک" به همان معنای عمومی در فرهنگ عام مردم باشد. حکومت‌های فدرال قومی حکومت‌هایی نابرابر، سرکوبگر و بنا به تعریف قوم پرست و نژاد پرست هستند. برای درک مساله کافی است نگاهی گذرا به حکومت‌های قومی که در پس از جنگ سرد شکل گرفته اند بیندازیم.

فدرالیسم راه حلی مدنی برای جامعه ای متشکل از "اقوام" با زبانها و یا "تاریخچه قومی" متفاوت نیست. نسخه ای برای "همزیستی مسالمت آمیز" و "آشتی اقوام" و آحاد مختلف یک جامعه نیست. برعکس هر درجه تحرك و فعل و انفعال فدرالیستی متضمن ایجاد زمینه های خونین کشمکش در میان مردم است. الصاق هویت قومی و ملی به انسانهای ساکن یک جامعه، خلق خود آگاهی وارونه ملی و قومی در جامعه در خود به معنای از بین بردن زمینه ها و امکان زیست صلح آمیز و برابر انسانها است. ایجاد حکومت‌هایی مبتنی بر رنگین کمان قومیت و ملیت نسخه ای برای دائمی کردن تخاصم قومی است. بر خلاف تصورات و تبلیغات برخی واقعیت این است که جامعه ایران ائتلاف شکننده و ناپایداری از "اقوام و ملل" نیست که به محض شل شدن قدرت مرکزی در تهران و روشن شدن سقوط محتوم رژیم اسلامی به جان یکدیگر خواهند افتاد. این بخشی از تبلیغات رژیم اسلامی و شاخه هایی از جریانانات سوپر ارتجاعی ناسیونالیستی است. تعلقات قومی جایگاه و ریشه چندان در جامعه ندارد. اما تبلیغ گسترده نفرت و کینه قومی میتواند زمینه ساز چنین وضعیتی در متن یک شرایط مساعد جهانی باشند.

مردم منتسب به ملتها و قومهای مختلف در بخش اعظم جامعه ایران پراکنده و مستقر هستند. هیچ رابطه يك به یکی میان سرزمین و قوم موجود نیست. هرگونه تلاش برای ایجاد حکومت‌های فدرال قومی مستلزم پاکسازی قومی و جنگ خونین در مناطق "کثیر الملله"، در شهرهای بزرگ ایران و مناطق مورد نظر فدرالیستها است. هرگونه تلاش برای ایجاد تقسیم قومی در جامعه و علی الخصوص در تهران موجب بروز خونین ترین جنگها در تاریخ تحولات سیاسی ایران خواهد بود. ابعاد فجایعی که میتواند بر اثر پیشرفت چنین سیری حادث شود، باور نکردنی و قابل تصور نیست. تصور تقسیم قومی جامعه ای به وسعت تهران به مناطق تحت کنترل فارس و کرد و آذری و عرب و افغان و ... دهشتناک است. چنین روندی بدون تردید میتواند مترادف با از بین رفتن شیرازه جامعه و مدنیت باشد.

فدرالیسم پروسه ای برای حاکم کردن عقب مانده ترین و مرتجع ترین ناهیران و احزاب و جریانانات سیاسی قومی بر سرنوشت يك مردم است. در جامعه ای که هویت و تعلق جهانشمول و آزاد انسانها دست بالا را داشته باشد، جریانانات مرتجع قومپرست و ناسیونالیست باید شغلی شرافتمندانه برای زندگی دست و پا کنند.

فدرالیسم راه حل هیچ دردی نیست. خود درد است. درمان بیماری نیست. خود بیماری است. طرح و تبلیغ فدرالیسم چه آگاهانه و از سر تعلقات کور و ارتجاعی قومگرایی و چه ناآگاهانه و خام خیالانه میتواند زمینه ساز يك فاجعه اجتماعی در تحولات سیاسی ایران باشد.

## فدرالیسم در ایران

همانطور که گفته شد طرح و تشدید تبلیغات فدرالیستی در جامعه محصول تحرك و تکاپوی قومی و نشان تعلقات قومی و ملی لاعلاج در میان مردم نیست. برعکس هر درجه تعلق قومی خود محصول تبلیغات فدرالیستی جریانانات قومپرست در جامعه است. قومی گرایی بر خلاف ملی گرایی دارای سابقه و پیشینه قابل ملاحظه ای در

جامعه و در میان مردم نیست. همانگونه که ملت و خلق ملت محصول طبیعی و داده شده ویژگی های معینی در میان بخش‌های از مردم نیست بلکه حاصل عملکرد ناسیونالیسم و هویت ناسیونالیستی است. فدرالیسم نیز محصول خود آگاهی کاذب و وارونه قومی و غلیظ در میان مردم نیست.

طرح شعار و سیاست فدرالیسم در جامعه ایران اساساً محصول تلاش برای بند و بست میان جریانانات قومگرا و ناسیونالیسم عظیم طلب ایرانی بود. طرح شعار فدرالیسم به جریانانات قوم پرست این امکان را میدهد که برچسب "تجزیه طلبی" را از پیشانی خود پاک کنند. از طرف دیگر شعار فدرالیسم برای جریانانات ناسیونالیسم ایرانی زمینه ای برای سازش و بند و بست و حصول توافق با جریانانات و شاخه های محلی قومپرست فراهم میکرد. این تبنانی و بند و بست زمینه های اولیه طرح شعار فدرالیسم در جامعه ایران بودند.

اما شرایط کنونی جهان و پیشرفت الگوی فدرالیسم در عراق از يك طرف نیاز بخش‌های مختلف

جریانانات قومگرای ناسیونالیست را به امتیاز دهی به ناسیونالیسم ایرانی کمرنگ کرده و از طرف دیگر ناسیونالیسم عظیم طلب ایرانی در پیشرفت شعار فدرالیسم کابوس "تجزیه ایران" را می بینند. قوم پرستان کرد و عرب و آذری و بلوچ در پس پیشرفت پروژه خونین فدرالیزه کردن عراق زمینه های مساعد بین المللی و از طرف دیگر کم شدن نیاز خود به سازش و بند و بست با جریانانات ناسیونالیست ایرانی مشاهده میکنند. تشدید تبلیغات و فریادهای "تجزیه طلبی" از سوی جریانانات متعدد ناسیونالیست عظیم طلب ایرانی گواه این تغییر و تحول در مناسبات شاخه های مختلف ناسیونالیسم است. برگزاری کنفرانسی در واشنگتن در هفته اخیر از جانب موسسه آمریک اینترپرایز پیرامون نقش و جایگاه "اقوام ایرانی" در تحولات آتی نشان دهنده تلاش برای به بازی گرفتن جریانانات قوم پرست در سیر تحولات آتی از جانب استراتژیستهای مرتجع و مخازن فکری غرب در اوضاع کنونی ایران است. \*

## تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانی به این حسابها واریز کنی و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیری و راهنمایی بخواهی.

## شماره حساب ها:

## انگلیس:

Account nr: 45477981  
Sort code: 60-24-23  
Account holder: WPI  
Branch: wood green  
Bank: Nat West

## سوئد:

پست جیرو 60-3-639  
صاحب حساب IKK

## آلمان:

Darius saf  
Konto Nr:894922303  
Kredit Institut  
Post bank Hannover  
BLZ:25010030

## کانادا:

TD Canada Trust  
A. Mikanik  
transit#1672  
Institution#504  
Acc#6235975

اگر از ایران ارسال میکنی: میتوانی از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنی، و یا با شماره تلفن ۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیری تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم.

تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

## مجموعه ای از اعتراضات کارگری در یک هفته اخیر

**تجمع اعتراضی کارگران شرکت گونی بافی** صبح سعید  
**تجمع اعتراضی کارکنان اخراجی سازمان شیلات گیلان اولتیماتوم کارگران شرکت خوب و صنعت ایران**  
**تجمع تعدادی از کارکنان بیمارستان مهدیه کرمانشاه در مقابل مجلس رانندگان شرکت واحد دوشنبه ۲۵ مهر بلیط نگرفتند**  
**تجمع اعتراضی کارگران کارخانه سعادت نساجان یزد**  
**تجمع اعتراضی کارگران مستقر در بازارچه مرزی مهران**  
**تجمع اعتراضی کارگران اخراجی شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان جمعی از مردم قادر آباد خرم بید فارس و کارگران شرکت دشت مرغاب دست به تجمع زدند**  
**کارگران نساجی کاشان ۹ ماه است دستمزد نگرفته اند.**  
**کارگران پلی اکریل اصفهان اولتیماتوم دادند**  
**کارگران "نساجی غرب" کرمانشاه تجمع کردند**  
**تجمع اعتراضی کارآموزان طرح پتروشیمی مرکز آموزش فنی و حرفه ای شاهرود**

**اولتیماتوم کارگران شرکت خوب و صنعت ایران** - روز ۱۷ مهرماه ۳۰ نفر از کارگران شرکت "چوب و صنعت ایران" واقع در شهر صنعتی کاهه شهرستان ساوه طی طوماری اعتراضی به مقامات مسئول در این شهر اولتیماتوم دادند که اگر ظرف ۱۵ روز به وضع آنها رسیدگی نشود از خروج تولیدات شرکت جلوگیری کرده و اجازه نخواهند داد که کارفرما وارد شرکت شود. کارگران در این کارخانه به عدم پرداخت دستمزد و مزایای قانونی خود در سه ماه گذشته عدم ایمنی محیط کار برخورد اهانت آمیز کارفرما با کارگران و اخراج آنان به بهانه های مختلف معترضند. در این طومار اعتراضی کارگران خواهان رسیدگی فوری به وضعیت خود و برخورد قانونی به کارفرمای این کارخانه شدند. بنا بر گزارشات این کارخانه قبلاً ۱۶۵ کارگر داشت که اکنون تعداد آنها به ۳۳ نفر رسیده است و مابقی کارگران از کار بیکار شده اند.  
**تجمع اعتراضی کارگران شرکت گونی بافی** "صبح سعید" - شماری از کارگران شرکت گونی بافی "صبح سعید" نور در اعتراض به عدم پرداخت سه ماه دستمزد و هفت ماه مزایای خود روز ۱۶ مهرماه در مقابل اداره کار و امور اجتماعی این شهرستان جمعی اعتراض آمیز برپا کردند. خواست کارگران پرداخت فوری دستمزد پرداخت نشده سه ماه آنها بود. تجمع

این کارگران حوالی ساعت ۱۳ روز ۲۳ مهر با قول پیگیری مشکلاتشان توسط روسای اداره کار و امور اجتماعی و فرماندار این شهرستان پایان یافت.  
**تجمع اعتراضی کارکنان اخراجی سازمان شیلات گیلان** - صبح روز ۲۳ مهر ۱۴۵ نفر از کارکنان اخراجی سازمان شیلات گیلان در مقابل سازمان شیلات ایران دست به تجمعی اعتراضی زدند و خواستار بازگشت به کار خود و استخدام رسمی خود در این سازمان شدند. از آنجا که کارکنان این سازمان در این تجمع خود به نتیجه ای نرسیدند در همین روز به وزارت جهاد کشاورزی مراجعه کرده و به تجمع خود در آنجا ادامه دادند. کارکنان سازمان شیلات اعلام کرده اند که در صورتیکه با استخدام آنها موافقت نشود باید در مقابل اخراجشان به آنها حق و حقوق کامل تعلق گیرد و فوراً با آنها تسویه حساب شود.  
**تجمع تعدادی از کارکنان بیمارستان مهدیه کرمانشاه در مقابل مجلس** - جمعی از کارکنان زن و مرد بیمارستان مهدیه کرمانشاه صبح روز ۱۷ مهرماه همزمان با آغاز جلسه علنی مجلس در اعتراض به ده ماه حقوق معوقه خود در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند و خواهان پاسخ فوری به خواستههایشان شدند.  
**رانندگان شرکت واحد دوشنبه ۲۵ مهر بلیط نگرفتند** - براساس قرار قبلی که به وسیله ی رانندگان اتوبوس واحد اعلام گردیده بود روز ۱۵ مهرماه رانندگان شرکت واحد در یک حرکت اعتراضی از گرفتن بلیط از مسافران خودداری کردند. بنا به گزارشات قرار است که این حرکت رانندگان در روزهای آینده ادامه یابد. خواسته های رانندگان از جمله افزایش دستمزدها و داشتن کمک راننده و بازگشت به کار رانندگان اخراجی بر سر کارشان میباشد.  
**تجمع اعتراضی کارگران مستقر در بازارچه مرزی مهران** - روز ۲۵ مهرماه شماری از کارگران مستقر در بازارچه مرزی مهران در اعتراض به آنچه "جلوگیری از تردد به بازارچه عنوان کردند، در مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. این افراد که تعدادشان به بیش از ۵۰ نفر می رسد، از ساعت هشت صبح این روز با تجمع در مقابل فرمانداری

مهران خواستار تمدید کارت تردد خود برای از سرگیری کار در بازارچه مرزی مهران شدند.  
**تجمع اعتراضی کارگران اخراجی شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان** - عده ای از کارگران اخراجی معترض شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان واقع در شمال استان اردبیل روز یکشنبه ۲۴ مهرماه در مقابل استانداری اردبیل تجمع کردند. این عده که تعداد آنها به بیش از ۵۰ نفر می رسد در اعتراض به اخراج و پرداخت نشدن حق و حقوق معوقه خود تجمع کرده و خواستار رسیدگی به خواسته هایشان شدند. کارگران نسبت به نحوه عملکرد مدیر عامل این شرکت در یکسال اخیر معترض بودند و به اینکه کارفرما در قبال مزه به کارگران و پرداخت حق اخراج به کارگرانی که از کار بیکار میشدند، به آنها گوسفند و زمین زراعی و ادوات کشاورزی واگذار کرده معترض بودند و خواهان مطالبات برحق خود شدند. این تجمع از ساعت ۱۱ تا ۱۴/۳۰ روز ۲۴ مهرماه ادامه یافت و در مذاکره نماینده کارگران با مسوولان استانداری اردبیل به آنها پاسخی داده نشد. در ارتباط با اعتراضات کارگران مجید پور حسن مسئول دایره حقوقی شرکت کشت و صنعت مغان گفت: این کارگران قرارداد موقت با پیمانکار دارند و اصولاً به طور مستقیم با شرکت طرف حساب نیستند و شرکت تمامی حق و حقوق آنها را به پیمانکار مربوطه پرداخت کرده است. و بدین ترتیب رسیدگی به وضع کارگران را به پیمانکاران حواله داد. و به سخنان خود ادامه داد و گفت: طبق بخشنامه هیات دولت بازخرد شامل افراد روز مزد دائمی و افراد بی سواد و زیر دپلم می شود و هیچ کدام از تجمع کنندگان معترض متأسفانه حایز این شرایط نیستند بنا به گزارشهای دولتی در شش ماه گذشته از مجموع چهار هزار و ۵۰۰ نفر کارگر این شرکت تعداد ۷۸۰ نفر باز خرید و کارگران فصلی آن نیز از ۵۰۰ نفر به ۲۰۰ نفر کاهش یافته است.  
**جمعی از مردم قادر آباد خرم بید فارس و کارگران شرکت دشت مرغاب دست به تجمع زدند** - روز ۲۶ گروهی از مردم قادرآباد از توابع شهرستان خرم بید فارس و کارگران شرکت دشت مرغاب (یک و یک) در

اعتراض به فروش کارخانه یک و یک و بیکار شدن کارگران آن در برابر بخشداری قادر آباد تجمع کردند.  
**کارگران نساجی کاشان ۹ ماه است دستمزد نگرفته اند** - یکی از کارگران شرکت ریسندگی و بافندگی کاشان در اعتراض به عدم پرداخت ۹ ماه حقوق خود صبح امروز تهدید به خودسوزی کرد. طبق گزارش این کارگر که هم اکنون یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان حقوق معوقه دارد و ۹ ماه است دستمزدی دریافت نکرده است تحت فشار وضعیت نابسامان خود صبح روز ۹ در دست داشتن پیت ۲۰ لیتری نفت تهدید به خودسوزی کرد که با تلاش مدیران و کارگران، کارگر نامبرده از انجام این کار منصرف شد. فضای اعتراض در میان کارگران بالاست و به کارگران قول رسیدگی به خواسته هایشان داده شده است.  
**کارگران پلی اکریل اصفهان اولتیماتوم دادند** - روز ۲۴ مهر کارگران کارخانه پلی اکریل اصفهان که تصمیم به برگزاری تجمعی اعتراضی در روز ۲۵ مهر ما را داشتند پس از مذاکره با مقامات مسئول شرکت و قول آنها مبنی بر متوقف کردن فروش مجموعه باغ فردوس ( مجموعه ورزشی تفریحی کارخانه پلی اکریل) بر پایی این تجمع را که از قبل اعلام کرده بودند لغو کردند و اولتیماتوم دادند که اگر تا دو هفته دیگر به خواسته های آنها رسیدگی نشود در مقابل دفتر ریاست جمهوری در تهران تجمع خواهند کردند. قابل ذکر است که به دلیل آلودگی محیط کار در این کارخانه وجود این مجتمع برای کارگران حیاتی است.  
**کارگران "نساجی غرب" کرمانشاه تجمع کردند** - روز ۲۵ مهر کارگران نساجی "غرب" کرمانشاه، در اعتراض به تعطیلی شرکت و عدم دریافت دستمزد ماههای گذشته، برای چندمین بار در مقابل ساختمان اداره کل کار استان تجمع کردند. کارگران "نساجی غرب" بیش از ۳ ماه است که دستمزدی دریافت نکرده اند و از ابتدای سال تا کنون به علت قطع برق، کارخانه به تعطیلی کشانده شده است.

بنا به گزارشها کارگران معترض در نشستی با معاون اداره کل کار جمهوری اسلامی خواستار فعال شدن مجدد کارخانه و پرداخت حقوق و مزایای معوقه کارگران شدند. در

پی تجمعات مکرر کارگران و فشار اعتراضات آنان، مقامات جمهوری اسلامی با کارگران وارد مذاکره شدند و به آنها قول دادند که در اسرع وقت به خواسته های آنها رسیدگی خواهد شد.  
**کارگران سعادت نساجان یزد در مقابل استانداری یزد تجمع کردند** - روز ۲۵ مهر حدود ۸۰ نفر از کارگران کارخانه سعادت نساجان یزد، در اعتراض به عدم پذیرش برای بازگشت به کار خود، در مقابل استانداری یزد تجمع کردند. طبق گزارشات کارگران این شرکت بدلیل به حال تعطیل در آمدن این کارخانه تا شهریور ماه سال جاری به مدت ۲۶ ماه مبلغی تحت عنوان بیمه بیکاری دریافت می کردند. اما پرداخت این مقرر ناچیز از ابتدای شهریورماه قطع شده است و دو ماه است که کارگران هیچ حقوقی دریافت نکرده اند. کارگران خواهان حقوق پرداخت نشده خود و بازگشت به کار شان هستند. اما مدیریت از پذیرش آنها به کار خود داری میکنند و هم اکنون کارگران در بلاتکلیفی بسر میبرند. بنا به همین گزارشات تعداد کل کارگران این کارخانه ۴۰۰ نفر است و کارفرما در مقابل اعتراض کارگران علت پذیرش نشدن آنان برای بازگشت به کار را آماده نبودن ماشین آلات این شرکت و طرح توسعه آن قید کرده است. بدنبال این اعتراضات به کارگران قول رسیدگی به خواسته هایشان داده شده است. این اعتراضات همچنان ادامه دارد.  
**تجمع اعتراضی کارآموزان طرح پتروشیمی مرکز آموزش فنی و حرفه ای شاهرود** - روز ۲۳ مهر جمعی از کارآموزان طرح پتروشیمی مرکز آموزش فنی و حرفه ای شاهرود با اجتماع در فرمانداری این شهر نسبت به تعطیل نمودن این رشته پس از چهار ماه آموزش اعتراض کردند. کارآموزان معترض این مرکز پس از ملاقات با مسوولان فرمانداری با امضا طوماری اعتراضی خواستار پیگیری و توجه به این خواسته خود شدند

### حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ مهر ۱۳۸۴ - ۱۹ اکتبر ۲۰۰۵

## دوازدهمین کنفرانس سالیانه اعضا تشکیلات سوئد

### حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ تا ۳۰ اکتبر ۲۰۰۵، استکهلم

### با حضور اعضای رهبری حزب

شرکت در این کنفرانس برای عموم آزاد است

برای دریافت کارت ورود به کنفرانس با تلفن 51 80 986 73 (0) 46+  
«سیمک بهاری»

و یا ایمیل آدرس «wpi\_sw@yahoo.se» تماس بگیرید.

حزب کمونیست کارگری ایران - کمیته سوئد

## جمهوری اسلامی و انرژی هسته ای

### استفاده از این انرژی حق کیست؟

مهرداد کوشا - تهران

انرژی هسته ای یکی از دستاوردهای مهم علمی است که از هنگام کشف آن تاکنون جامعه بشری بهره بسیار ناچیزی از آن برده است. این نیروی سرشار همواره در اختیار قدرتهای سرمایه داری بوده و اگرچه بعد از بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی توسط دولت آمریکا در سال 1945 بمب اتمی در جنگهای بین دول سرمایه داری بکار گرفته نشده، اما حاکمیت سرمایه بر این تکنولوژی همواره تهدیدی علیه امنیت کل جامعه بشری بوده است. از نگاه مردم، انرژی هسته ای، به عنوان یک منبع غنی موجود در طبیعت، بایستی در خدمت آسایش و رفاه، بهداشت و سلامت جامعه باشد. از نظر دولتهای سرمایه داری، این انرژی در درجه اول ابزار وسیله ای برای حفظ قدرت و "ماندن" است که از طریق تهدید دائمی جامعه مورد استفاده، یاب عبارت صحیح، مورد سوء استفاده قرار می گیرد. در این بین رقابت و کشمکش بین حاکمان و قطبهای سرمایه در هر حوزه و منطقه ای از جهان برای دستیابی به این ابزار امری حیاتی می شود تا از این طریق مطلوبیت بقاء خود را به دیگران بقبولانند.

تلاش جمهوری اسلامی برای در اختیار داشتن انرژی اتمی تماماً در راستای این حقیقت و در رابطه با سهم خواهی بیشتر اسلام سیاسی است و در شرایط کنونی طرح موضوعاتی مثل "استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای" و یا اینکه "تامین سوخت مورد نیاز نیروگاههای اتمی توسط دولتهای غربی نمی تواند از تضمین لازم برای استمرار کار این نیروگاهها برخوردار باشد و بهمین دلیل دولت ایران باید خود چرخه تولید سوخت را در اختیار داشته باشد" بهانه ای بیش نبوده و ذره ای واقعیت ندارد؛ بهانه ای که هم مردم جهان و هم سایر دولتهای سرمایه داری کاملاً به آن واقف اند. به همین خاطر است که جمهوری اسلامی می کوشد با چانه زنی بر سر این مسئله سهم بیشتری را برای خود بدست آورد. در ارتباط با این موضوع، دیپلماسی رژیم در سالهای گذشته، در مذاکره با سه کشور اروپایی، و اخیراً در قالب

## دنیا نیازمند اکتبر دیگری است!



موزه لینن

6 نوامبر

به مناسبت سالگرد انقلاب اکتبر

سخنران: عبدال کلبریان

برنامه ای از طرف تشکیلات حزب کمونیست کارگری ایران - واحد فنلاند

مکان: موزه لینن، تامپره - فنلاند

پخش گوته هالی از فیلم انقلاب اکتبر

زمان: یکشنبه 6 نوامبر 2005 ساعت 16 الی 18

مکان: موزه لینن، تامپره - فنلاند

آدرس: Hämeneipuisto 28

33200 TAMPERE Finland

تلفن تماس: 04-05758250